

عصر آزادی

روزنامه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ورزشی و سیاسی

صاحب امتیاز: **مؤسسه مطبوعاتی پیمان**

مدیر عامل و مدیر مسئول: **سید فرید پیمان**

رییس هیئت مدیره و سردبیر: **دکتر سید وحید پیمان**

لیتوگرافی و چاپ: **شاخه سبز**

گروه ۴ رتبه بندی معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

امتیاز: ۴۷/۴

نشانی:

تهران - خیابان حافظ نرسیده به زیر گذر حسن آباد - پلاک ۹۷ - طبقه سوم

صندوق پستی: ۷۱۸۴-۱۵۸۷۵

آدرس تبریز: **خیابان المان، جنب بن بست یآوری**

ساختن: **۵۱ کا ۱ طبقه اول**

تلفن: **۰۴۱-۳۵۵۵۸۴۵۴**

مسئول آگهی ها: **۰۹۱۲۴۶۶۰۰۴۳۳**

لینک تلگرام: [https:// telegram.me /asrazadi.ir](https://telegram.me/asrazadi.ir)

Email: asrazadi@gmail.com

www.asrazadionline.ir

معاون صدا در دیدار با گوینده پیشکسوت:

صدای گرم مسعود اسکویی برای همه خاطر هانگیر است



علی بخشی‌زاده، معاون صدا از مسعود اسکویی – گوینده و مجری کارشناس پیشکسوت رادیو – عیادت کرد و با آرزوی صحت و سلامتی برای او تاکید کرد: مسعود اسکویی صدای آشنا برای همه نسل‌های رادیو است.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی معاونت صدا، علی بخشی‌زاده معاون صدا به همراه مهدی آذرمان قائم مقام معاونت صدا و برخی دیگر از مدیران رادیو به عیادت مسعود اسکویی، گوینده پیشکسوت رادیو رفت که در بیمارستان لاله بستری است. علی بخشی‌زاده خطاب به مسعود اسکویی گفت: استاد اسکویی همه جوانان را مثل فرزندانش دوست دارد و برای آموزششان در رادیو وقت گذاشته است. او به خوشرویی و ادب و احترام به دیگران مشهور است. وی بیان کرد: به اعتقاد من، هر کس در هر جایگاهی که هست باید به کارش عشق بورزد و بدون تردید استاد اسکویی یکی از این افراد است. به همین دلیل صدای آشنا او برای همه نسل‌های رادیو است. معاون صدا اظهار کرد: نکته بسیار مهم در رابطه با حرفه گزارشگری و گویندگی این است که مجری کارشناس، گزارشگر و گوینده باید روی رویدادهایی که گویندگی‌اش را بر عهده دارد، تعصب داشته باشد؛ زیرا در غیر اینصورت هرگز نمی‌تواند احساسات و هیجانات مسابقه را آن طور که باید و شاید به مخاطب منتقل کند و شنونده را تحت تاثیر قرار دهد و این شاخصه بسیار مهم استاد اسکویی است. در این عیادت، مسعود اسکویی هم چند کلامی از خاطراتش گفت. به گزارش ایسنا، مسعود اسکویی، گوینده و کارشناس – مجری پیشکسوت چند روز پیش به دلیل شکستگی ناحیه لگن و پا در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان بستری شد و پس از آن به تازگی به بخش عمومی منتقل شده است.

اکران «مست عشق» حسن فتیحی به تعویق افتاد



اکران فیلم سینمایی «مست عشق» به کارگردانی حسن فتیحی به تعویق افتاد. به گزارش ایسنا، آخرین ساخته حسن فتیحی که با جمعی از بازیگران مشهور ایرانی و ترک ساخته شده، قرار بود از امروز (۲۹ فروردین ماه) در سینماهای کشور اکران شود که با تأیید علی سرتیپی - بخش‌کننده فیلم - فلا یک هفته به تعویق افتاده است.

پس از اعلام تاریخ اکران فیلم توسط شورای صنفی نمایش، سرتیپی مدیرعامل فیلمیران به ایسنا گفته بود: ابتدا در نظر داشتیم فیلم را از عید فطر (۲۲ فروردین) اکران کنیم اما به ۲۹ فروردین موکول شد چون در حال مذاکره برای اکران همزمان فیلم در ترکیه هستیم. اما حالا خبر رسیده که اکران فیلم به تعویق افتاده و دلیل مشخصی هم برای آن اعلام نشده است. این فیلم در آخرین مراحل تولید هم کم حاشیه نداشت و در مقطعی شریک ترکیه‌ای فیلم درصدد بخش سریالی فیلم بود که با پیگیری‌های حقوقی از آن جلوگیری شد.

«سلمان فارسی» از عزا در آمد

۶۰ بازیگر در فصل ایران باستان

ادامه تولید سریال «سلمان فارسی» در سال جدید در شهرک غزالی و مجموعه ماریبن از سر گرفته شد. به گزارش ایسنا، ضبط بخش‌های مربوط به ایران باستان سریال «سلمان فارسی» به تازگی آغاز شده و حدود یک سال و نیم ضبط آن به طول می‌انجامد. در این بخش دوره کودکی شخصیت سلمان فارسی جلوی دوربین خواهد رفت که از بازیگران شناخته شده محسوب نمی‌شود. عنوان شده است فصل ایران باستان یکی از پربازبیرترین فصل‌های این مجموعه تاریخی است و بیش از ۶۰ بازیگر در این فصل به ایفای نقش می‌پردازند. فیلمبرداری بخش ایران باستان تا بهار و تابستان با محوریت شهرک غزالی و مجموعه ماریبن ادامه دارد و در مقاطعی قرار است بخش‌هایی از کار در سمنان ادامه یابد. پیشتر در اسفندماه ۱۴۰۲ فرو ریختن آوار در محل فیلمبرداری سریال «سلمان فارسی» در شمال شاهرود جان دو هنرور را گرفت.

جهان امروز نیازمند انسان‌هایی است که زیبایی را می‌بینند و لطافت را به تصویر درمی‌آورند تا بی‌واسطه با انسان‌ها سخن بگویند.

«همیشه چیزهایی در اطراف ما وجود دارد که به آنها توجه نمی‌کنیم و زیبایی آنها را نادیده می‌گیریم.» به گزارش ایسنا، زیبایی‌های نادیده را دیدن، هنر است؛ امری سهل است، اما عادتی است دشوار که در جان آدمی سخت می‌نشیند. حال در میان آدمیانی که به دلایل گوناگون - توجیه‌پذیر و توجیه‌ناپذیر - از دیدن زیبایی‌ها ناتوانند، چشم بعضی برای دیدن و به‌طور مشخص زیبا دیدن، مستعد و به تبع آن تواناتر است. در میان آن‌هایی که می‌بینند هم البته، گروهی دیگر از آدمیان هستند که آن‌چه را که خود می‌بینند به تصویر درمی‌آورند؛ از قاب نگاه خود بیرون آورده، از مرزهای ذهن خود می‌گذرانند و آن را بار دیگر، به شیوه‌ای دیگر خلق می‌کنند. به نظر می‌رسد که این آدم‌ها باید همچون طبیعت، آزاد و رها زندگی کنند. هنرمندانی که حتی ابروان گره خورده‌شان، دست لیخندشان را نمی‌بندد. هنرمندی همچون سهراب مرزبان که همان‌طور که نزدیکانش تصدیق می‌کنند زیبا دید، آزاد زیست و در آخر هم طبیعت را نقش زد.

سهراب مرزبان - طراح گرافیک - ۲۸ فروردین ۱۴۰۲ درگذشت. او از جمله طراحان پیشرو و اثرگذار گرافیک ایران شناخته شده است.

«روزی بر روی چمن دراز کشیده بودم و به چمن‌ها و خس و خاشاک نگاه می‌کردم. احساس کردم با منظره بسیار جذابی مواجه شده‌ام که بسیار مناسب تبدیل شدن

گفت‌وگوی ایسنا با «ماشاءالله و روایی» بازیگر نقش عمو کاووس

چه شد که سرهنگ بازنشسته ارتش شد عمو کاووس «نون‌خ»!؟

را می‌کشد و این را می‌توانید از بینندگان جان که همواره همراه ما بودند سوال کنید تا آنها به این مجموعه نمره بدهند. تعریف از خود نباشد اما در حرم جامعه از بقال و قصاب گرفته همه و همه «نون‌خ» را می‌بینند و با دل خوش هم می‌بینند و به ما درود می‌فرستند که توانستم لیخند شیکی را روی لبانشان بنشانیم و ما از این بابت خلدوان را شاکریم و ممنونیم که این موقعیت را به ما داد.

این بازیگر در عین حال به وحدت و یکپارچگی گروه «نون‌خ» اشاره می‌کند و همین با هم بودن را دلیل موفقیت می‌داند و می‌گوید: ما در این سریال دست به دست هم دادیم تا موفق شدیم. اگر الان آقا سعید بخواهد دو نفر را کنار بگذارد و دو نفر دیگر بیایند قطعاً کار سخت می‌شود چون همه ما حاصلات‌های بسیار همدیگر را در همان روستای فرضی پیدا کردیم به هم درود می‌فرستیم که همه در کنار هم توانستیم این موقعیت را که متعلق به همه است به سرانجام برسانیم.

بازیگر «نون‌خ» سپس در پاسخ به اینکه بزرگترین چالش آشنایی‌اش با گروه «نون‌خ» و سعید آقاخان و اینکه چطور شد از یک فرد نظامی و سرهنگ بازنشسته ارتش به یک بازیگر طنز تبدیل شد، اشاره کرد.

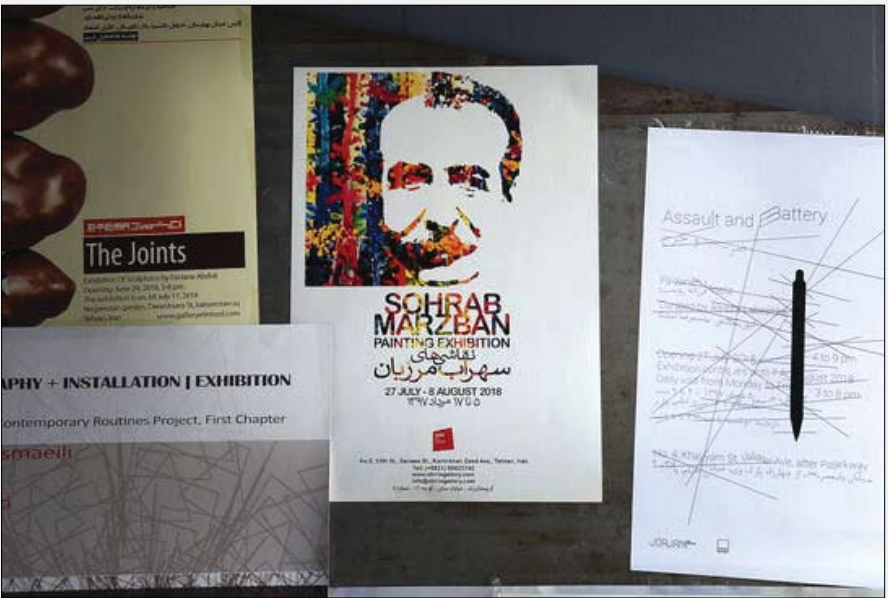
او ابتدا درباره پرزنگ شدن نقشش در «نون‌خ» ۵ نسبت به فصل‌های گذشته اینگونه می‌گوید: خدا را شکر تا الان از کارم راضی بودم. روستای پایه‌گذاری کاووس از همان فصل اول آغاز شد و تا الان هم ادامه داشت. یادم هست حدود ۱۰ الی ۱۵ نفر کاندیدای این شخصیت بودند و سعید آقاخان عزیز تست می‌زد و در نهایت قرعه به نام بنده درآمد. بیشترین کمک را طی این سال‌ها خود آقا سعید به این نقش کردند؛ ضمن اینکه خودم هم بسیار سعی کردم کاووسی باشم که واقعا به دل بیننده بنشیند. این شخصیت ضمن اینکه یک شوخ طبعی دارد اما برای روستا یک شخصیت پرمنفعتی هم هست. خدا را شکر نقشم به دل خودم نشسته است و مردم هم دوست داشتند.

اگر شخصی جز سعید آقاخان کارگردان بود اینطور نمی‌شد

این بازیگر که از ابتدای فصل اول «نون‌خ» در داستان حضور داشته، درباره اینکه لازمه حفظ برندی مثل «نون‌خ» در تلویزیون چیست و فکر می‌کنید این مجموعه تا کجا بتواند این موقعیت را حفظ کند؟ خاطر نشان می‌کند: «نون‌خ» صد درصد می‌تواند موفقیت را حفظ کند. اگر شما از فصل اول به این سریال نگاه کنید می‌بینید که پلکانی توانستند پله به پله به شخصیت‌ها و داستان‌ها رونق بدهند و در نهایت همه چیز به خدمت گرفته شد تا «نون‌خ» دیده شود؛ به ویژه اینکه کارگردانی آقای سعید آقاخان واقعا لازمه این کار بود و شاید اگر شخص دیگری بود این شیوه را در نمی‌آورد چون خود آقا سعید از جنس ماست و متعلق به سرزمین کرد است. او توانسته با داستان‌هایی که حول محور قومیت‌هاست و کاملا روی لبه تیغ است با برخورد خوبی داشته باشد، در چنین مواقعی باید شش دانگ حواس را جمع کرد که به نظرم سعید آقاخان این مزاجه مقصد برساند و بعد از آن به دل مردم جان بینند. البته باید به همراهی‌های آقای مهدی فرجی - تهیه‌کننده سریال - هم اشاره و از ایشان تشکر کنم.

«نون‌خ» جور خیلی از کارهای تلویزیون را می‌کشد بازیگر نقش کاووس در ادامه در واکنش به اینکه سریال «نون‌خ» در حال حاضر جور بسیاری از کارهای دیگر تلویزیون را می‌کشد، فکر می‌کنید تا کی جواب بدهد؟ اظهار می‌کند: پله؛ این واقعیت است که «نون‌خ» جور خیلی از کارهای تلویزیون درس پس می‌دهم.

برای سهراب مرزبان - نقاش و گرافیست فقید ایرانی نابغهای که هیچ چیز را شبیه خودش نمی‌کشید!



به نقاشی است. آنچه در تابلوهایی من مانند درخت و گل و گیاه به نظر می‌رسد در واقع چمن‌ها، خاشاک و گل‌های بسیار ریز روی زمین هستند. مرزبان این روایت و عکس‌هایی که از پوشش روی زمین گرفته بود را سرآغاز شکل‌گیری بعضی آثارش، که با موضوع طبیعت خلق شدند، عنوان کرده بود.

طبیعتی که این هنرمند خلق کرده بود گاه چندان شباهتی به درخت و گل و هر آنچه که در طبیعت است پیدا نمی‌کرد و این موضوع برایش اهمیتی نداشت. نمایش بخشی از آثار او در یک نمایشگاه برایش رضایت‌بخش بود، چراکه معتقد بود در شرایطی غم‌دار و خشن، حس لطافت و به‌زادیدکنندگان انتقال داده است. «اهمیتی ندارد که

چرا در ایران از مارکز استقبال شد؟



کاوه میرعباسی قصه‌گو بودن مارکز را دلیلی بر استقبال از او می‌داند، اسدالله امرایی نیز شیوه بدیع روایت مارکز را دلیلی بر جذابیت او.

به گزارش ایسنا، ۱۰ سال از خاموشی ابدی «گابریل گارسیا مارکز»، چهره سرشناسی که با رئالیسم جادویی در ادبیات دنیا جای پای خود را محکم کرد، می‌گذرد. «مارکز» که از مشهورترین نویسندگان آمریکای لاتین به حساب می‌آید، ششم مارس ۱۹۲۷ در آرکاتاکای کلمبیا متولد شد. مدت کوتاهی پس از تولد، پدر و مادرش به بارانکیلا نقل مکان کردند و «گابو» کوچک را به پدربزرگ و مادربزرگش سپردند. عقاید سیاسی و ایدئولوژیک مارکز بیشتر تحت تاثیر پدربزرگش که یک کلیت بازنشسته بود، شکل گرفت. پدربزرگ او در جنگ هزارروژه شرکت کرده بود و داستان‌هایی را از سختی‌های جنگ و شجاعت خود برای نوازش تعریف می‌کرد. مارکز از این قصه‌ها به عنوان بن‌مایه آثار ادبی‌اش الهام گرفت. او در مصاحبه‌ای گفته رفتارهای سختگیرانه مادر بزرگ هم تاثیر زیادی بر رمان داستان‌ها را به خاطر می‌سپرده و بازگو می‌کرده است. در کتاب «سخت‌گیرانه مادر بزرگ هم تاثیر زیادی بر رمان «صد سال تنهایی» مارکز گذاشت. «گابریل گارسیا مارکز» معروف به گابو، زمانی که در دانشگاه ملی کلمبیا رشته حقوق می‌خواند، به طور جدی وارد کار روزنامه‌نگاری شد. این نویسنده اولین اثر داستانی خود را در سال ۱۹۴۷ در روزنامه «ال اسپکتادور» چاپ کرد. از آن پس «گابریل گارسیا مارکز» هفت سال برای نگارش اولین رمان کوتاه خود تحت تأثیر نویسندگانی چون «ویلیام فاکنر» و «ویرجینیا وولف» وقت صرف کرد. «طوفان برگ» سرانجام در سال ۱۹۵۵ به چاپ رسید و سپس شاهکار او «صد سال تنهایی» در سال ۱۹۶۷ (برابر ۲۸ فروردین ۱۳۴۳) بعد از ۱۲ «مارکز» در طول عمرش به نوشتن ادامه داد و آثار را چون «پاییز پدرسالار» (۱۹۷۵) و «عشق سال‌های وبا» (۱۹۸۵) که از معروف‌ترین رمان‌هایش هستند، خلق کرد. او هفدهم آوریل (برابر ۲۸ فروردین ۱۳۴۳) بعد از ۱۲ سال مبارزه با بیماری از دنیا رفت.

یهمین فرزانه در سال ۱۳۵۴ بسا ترجمه «صد سال تنهایی»، مارکز را در کتاب‌خوانان ایرانی معرفی کرد. این کتاب با استقبال زیادی روبه‌رو شد و نویسنده آن در ایران به محبوبیت فراوانی رسید. دلیل استقبال از مارکز را با مترجمان او در میان گذاشته‌ایم که در ادامه نظر آن‌ها را می‌خوانید:

مارکز سخت‌خوان نیست

کاوه میرعباسی، مترجم با تأکید بر اینکه مارکز نویسنده سخت‌خوانی نیست، به ایسنا می‌گوید: نمی‌گویم مارکز آسان می‌نویسد ولی قطعا به دلایل مختلف نویسنده سخت‌خوانی نیست. نثر مارکز نثر خاصی است. اما او قصه‌گو است و به دلیل قصه‌گو بودنش و اینکه داستان‌گوی چیره‌دستی است مخاطب را جذب می‌کند.

او ادامه می‌دهد: وقتی می‌گویم نویسنده سخت‌خوان، آدم نویسنده‌ای چون نایاکوف را مجسم می‌کند، او واقعا بازی‌های لفظی عجیب دارد یا جویس که نویسنده دشوارخوانی است، یا حتی پروسست که برای خیلی‌ها می‌تواند مایال آور باشد زیرا ماجرا و رویداد ندارد؛ اما کتابی مانند «صدسال تنهایی» او در نظر بگیرید که با آن همه تخیل و ماجرا و رویدادهای شگفت‌انگیز اصلا سخت‌خوان نیست. البته نثر مارکز، نثر روانی است.

او تأکید می‌کند: داستان‌های مارکز سراسرت است و

در پی درگذشت رضا داودنژاد

پیام علیرضا داودنژاد برای هم‌درسی‌ها / «غیر تسلیم و رضا کو چاره‌ای؟»



گرفت‌او در طول سال‌های کاری خود در فیلم‌های متعددی همچون «مصائب شیرین»، «کلاس هنرپیشگی»، «هوو»، «بچه‌های بد»، «لامینور»، «هشت‌پا» و «پیرو» بازی کرده بود که بخشی از آنها فیلم‌های پدرش علیرضا داودنژاد بود.

علیرضا داودنژاد آخرین همکاری‌اش با پسرش رضا (داودنژاد) «مصائب شیرین ۲» است که هنوز رنگ برده ندیده است، فیلمی که در سال ۹۸ مجوز نمایش

مخاطب متوجه شود این مناظر از درخت و گل‌ها کشیده نشده‌اند، مهم این است که قصد داشتیم آن حس ازدحام و یزیرا و مخفی بودن را نمایش دهیم. بسیاری از تماشاگران این را متوجه شدند که تابلوها محو هستند و ازدحامی که توسط بافت ایجاد کرد توجه آن‌ها را جلب می‌کرد. این نمایشگاه بازتاب خوبی داشت و در شرایطی که همه چیز غم‌دار و خشن شده است توانست حس لطافت را به مردم منتقل کند.»

حالا یک سال از درگذشت سهراب مرزبان - طراح گرافیک و فعال در هنر خط و تایپوگرافی و البته نقاش - می‌گذرد؛ هنرمندی که شاید اگر این روزها می‌زیست، احساس می‌کرد باید دیگر با احساس لطافت را به آدمیان منتقل کند؛ چرا که مردمان امروز جهان، بسیار نیاز به احساس لطافت و گذر از غم دارند و نیاز به اینکه زیبا ببینند و آزاد زندگی کنند، همچون طبیعت.

سهراب مرزبان متولد سال ۱۳۳۵ بود؛ او در زمینه رشته‌هایی که در زیر مجموعه گرافیک قرار می‌گیرند، فعالیت می‌کرد. بسیاری از طراح جلد کتاب «مردی که زیاد می‌دانست» هبچکاک را یکی از آثار شناخته شده او می‌دانند.

طراحی جلد و پوستر، کالیگرافی و نقاشی از جمله آثار اوین.

این هنرمند در زمینه نقاشی، دوره‌های متفاوتی را پشت سر گذاشت و آثار متنوعی را به تصویر کشید؛ از خلق طبیعت بی‌جان، مناظر و پرندهای آبرنگی تا خلق خط‌نگاره و گاوها و مجموعه‌ای از نمای دور و نزدیک از طبیعت.

چرا در ایران از مارکز استقبال شد؟



مخاطب می‌تواند با آن‌ها ارتباط برقرار کند؛ البته این‌گونه هم نیست که عامه مردم بخوانند و یا داستان عامه‌پسندی باشد اما در میان نویسندگان نخبه‌گرا از نویسنده‌های در دسترس است و لازم نیست خواننده خیلی به خود فشار بیاورد یا خیلی شکیبایی و حوصله نشان دهد تا بتواند روایت را پیگیری کند. مثلا خواندن کتاب‌های توماس مان و پروست صبر زیادی می‌خواهد اما این اتفاق برای مارکز نمی‌افتد زیرا داستان‌هایش کشش دارد. مثلا توماس مان در کتاب «دکتر فاستوس» ده‌ها صفحه درباره پروانه‌ها نوشته است که خواندن آن صبر و شکیبایی بسیاری می‌طلبد. بنابراین مارکز نویسنده دیرپاب و دشواری نیست، نثر زیبا و شیوایی دارد، قطعا کلمات زیادی به کار برده و غنای واژگان دارد، نمی‌توان منکر این موضوع شد؛ اما نویسنده دشوارنویس و دیرپایی نیست. کاوه میرعباسی خاطر نشان می‌کند: عامه مردم ادبیات قصه‌گو را ترجیح می‌دهند و مارکز قصه‌گو است و خواننده می‌خواهد بداند چه می‌شود و کتاب‌هایش آدم را شگفت‌زده می‌کند. شاید ملال‌آورترین رمانش «نژاد در هزارتوی خود» باشد و یا رمان دشوارش «پاییز پدرسالار». است اما اکثر رمان‌هایش این‌طور نیست: «صدسال‌های تنهایی» و «عشق سال‌های وبا» دشوار نیستند. اما قطعا یکی از نویسنده‌های بزرگ قرن بیستم و کل ادبیات است. او نویسنده‌ای است که طی دهه‌ها و شاید قرن‌ها خواننده خواهد شد. این مترجم آخرین اثر امرایی با عنوان «تا آگوست» را در ایران غیرقابل انتشار توصیف می‌کند و می‌گوید: با توجه به مضمونش به هیچ‌وجه قابل انتشار نیست. کتاب کم‌حجمی است. به من پیشنهاد شد ترجمه‌اش کنم اما زمانی که کتاب را خواندم دیدم با توجه به مضمون نمی‌شود ترجمه کرد؛ گاه می‌شود بخش‌هایی از کتاب را حذف یا تعدیل کرد اما این کتاب در اینجا از اساس مشکل دارد.

شیوه روایت: دلیل استقبال از مارکز

اسدالله امرایی، مترجم نیز درباره مارکز اظهار می‌کند: بدیع بودن شیوه روایت مارکز؛ از نکاتی است که باعث شده فقط در ایران - که بخش کوچکی از خوانندگانش را تشکیل می‌دهد - بلکه در دنیا با استقبال خوبی روبه‌رو روایت، او می‌افزاید: سخت‌خوانی مارکز بیشتر به نوع روایت، نوع نقطه‌گذاری و جملات بلند او برمی‌گردد. اما در عین حال تصاویر فشنگی خلق کرده و پیش روی خواننده قرار می‌دهد. در یک لحظه می‌توانید چشمان‌تان را ببندید و بارش گل‌های زرد را ببینید. او داستان‌هایی را نیز برای کودکان نوشته اما متأسفانه برخی از مترجمان فکر کرده‌اند نباید او برای کودکان می‌نویسد و عبارت «داستانی برای کودکان» را برداشته‌اند؛ «پرومردی با بال‌های بسیار بزرگ» از داستان‌های است که مارکز برای کودکان نوشته و در شروع داستان می‌گوید آن را برای کودکان نوشته اما برخی از مترجمان گویا این موضوع را کسر شان نویسنده دانسته و آن را حذف کرده‌اند.